



آیت‌الله محقق داماد در گفت‌وگو با «ایران»:

کشور به همکاری و حضور همه اقشار نیازمند است



دیدار ۲ و نیم ساعته پزشک‌یان با رهبر انقلاب

رئیس‌جمهوری:

روحیه مبتنی بر سادگی، تواضع و صمیمیت رهبری باعث شد فضای گفت‌وگویی واسطه، صریح و همراه با احساس نزدیکی و اعتماد باشد چنین رویکردی می‌تواند نقش مهمی در تقویت سرمایه اجتماعی ایفا کند.

دولت آمادگی دارد بخشی از اختیارات اجرایی و مدیریتی را به اصناف، تشکل‌ها و مجموعه‌های مردمی واگذار کند، مشروط بر آنکه اصل «مسئولیت‌پذیری، کارآمدی و پاسخگویی» در فرآیند عملکردها حاکم باشد



گزارش «ایران» از پویش جدیدی که از سید خرید خانواده آغاز می‌شود
«برای وطن، نه برای پلاستیک»



چرا دیدارهای ویژه عراقچی در روسیه و چین مهم بود؟

شکل‌گیری محور شرقی در پسا جنگ رمضان



مدیرعامل سازمان بیمه سلامت در گفت‌وگو با «ایران» خبر داد
شارژ ۱۶ همتی صندوق بیماران خاص
۱۴۲ مرکز ارائه خدمات تخصصی نابابوری طرف قرارداد بیمه سلامت هستند



گفت‌وگو با مهدی طالب‌پور
استاد مدیریت ورزشی دانشگاه فردوسی مشهد

اسطوره ورزشی از عمق فرهنگ جامعه متولد می‌شود



پساجنگ: مسأله حکمرانی، بازسازی سرمایه اجتماعی و ضرورت عقلانیت ملی

یادداشت

سیدرضا صالحی امیری

وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی



ایران در آستانه ورود به یکی از پیچیده‌ترین و چندانیه‌ترین مقاطع تاریخ معاصر خود قرار گرفته است؛ مقطعی که فهم آن نیازمند اسرورز با آن مواجهیم، مسأله «مدیریت پیامدهای جنگ» و کیفیت حکمرانی در دوران پساجنگ است. تجربه جامعه ایرانی است، آنچه می‌دهد که بسیاری از دولت‌ها در مواجهه با مطالبات انباشته پساجنگ دچار فرسایش شده‌اند.

در ماه‌های اخیر، جمهوری اسلامی ایران توانست با اتکا به سه مؤلفه بنیادین «اقتدار نیروهای مسلح»، «انسجام اجتماعی مردم» و «بشپتیانی دولت» مرحله‌ای حساس را پشت سر بگذارد. این هم‌افزایی ملی نوعی بازتولید هویت ملی و احیای حسن تعلق به ایران در میان لایه‌های متنکثر اجتماعی محسوب می‌شد. جنگ، فارغ از همه تلخی‌ها و خسارت‌هایش، یک واقعیت مهم را آشکار کرد: جامعه ایرانی در لحظات تهدید موجودیتی، همچنان قادر به بازتولید همبستگی تاریخی خود است.

اما مسأله راهبردی امروز آن است که آیا می‌توان این سرمایه اجتماعی و این همگرایی ملی را به یک «سرمایه آینده حکمرانی» تبدیل کرد یا خیر؟ پاسخ به این پرسش، آینده سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران را تعیین خواهد کرد.

مرحله‌ای شده که می‌توان آن را «ترکیم ساختاری مطالبات» نامید؛ وضعیتی که در آن فشارهای اقتصادی، نااطمینانی روانی، نگرانی‌های معیشتی، احساس تبعیض، دغدغه اشتغال و اضطراب نسبت به آینده به‌صورت هم‌زمان در حال انباشت‌اند. این انباشت، اگر فاقد مدیریت هوشمندانه و

اقتناع‌گر باشد، می‌تواند از سطح ناراضیاتی عبور کرده و به فرسایش سرمایه اجتماعی منجر شود. امروز جامعه ایران با مسأله «ادراک عدالت» روبه‌روست. در شرایط پساجنگ، افکارعمومی بیش از هر چیز به این پرسش پاسخ می‌دهد که آیا هزینه‌های بحران به‌صورت عادلانه توزیع شده است یا خیر. تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد که مهم‌ترین منشأ بحران‌های پساجنگ، احساس نایرابری، تبعیض و نادیده‌گرفته شدن است. از این منظر، عدالت ادراکی به اندازه عدالت اقتصادی اهمیت دارد.

از سوی دیگر، بازگشت احتمالی و تدریجی شکاف‌های اجتماعی و سیاسی نیز دور از ذهن نیست. جنگ، به‌طور طبیعی، بسیاری از شکاف‌ها را تخلیق می‌کند و اولویت «بقای ملی» را بر اختلافات سیاسی و اجتماعی مقدم می‌سازد؛ اما با عبور از وضعیت اضطراری، گسل‌های انباشته‌شده احتمالاً دوباره فعال می‌شوند. اگر این شکاف‌ها در چهارچوب گفت‌وگو، مشارکت و عقلانیت نهادی مدیریت نشوند، به تدریج می‌توانند به قطب‌بندی‌های فرساینده تبدیل شوند. جامعه‌ای که نتواند ناراضیاتی خود را در مسیرهای رسمی و عقلانی بیان کند، دیریا‌زود آن را در اشکال رادیکال بازتولید خواهد کرد.

در این میان، مسأله نخبگان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از دستاوردهای مهم این مقطع، شکل‌گیری نوعی اجماع ملی حول محور «ایران» بود؛ اجماعی که بخشی از نخبگان داخل و خارج کشور را نیز دربر گرفت. حفظ این سرمایه نخبگانی، مستلزم بازتعریف رابطه با دانشگاه، رسانه، جامعه مدنی و اصحاب اندیشه است. نظام سیاسی در دوران پساجنگ، بیش از هر زمان دیگری نیازمند «حکمرانی مشارکتی» است؛ زیرا پیچیدگی مسائل امروز از ظرفیت تصمیم‌گیری‌های بسته و یک‌سویه فراتر رفته است.

همچنین باید پذیرفت که یکی از مهم‌ترین میدان‌های حکمرانی در جهان جدید، عرصه ارتباطات و افکارعمومی است. جامعه امروز، جامعه‌ای شبکه‌ای، آگاه و حساس به عبور کرده و به فرسایش سرمایه اجتماعی منجر شده است. مستقیماً به کاهش اعتماد اجتماعی پایدار پرتوانایی اقتناع، گفت‌وگو و تولید اعتماد استوار است. سرمایه اجتماعی، بزرگ‌ترین ذخیره راهبردی هر نظام سیاسی در دوران بحران است و فرسایش آن، هزینه‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی، ایران بیش از هر زمان دیگری نیازمند «عقلانیت ملی» است؛ عقلانیتی که بتواند میان امنیت و آزادی، میان اقتدار و رضایت عمومی، میان ضرورت‌های اقتصادی و الزامات عدالت اجتماعی، توازن برقرار کند. آینده ایران را کیفیت حکمرانی، میزان انسجام نهادی، قدرت تصمیم‌گیری عقلانی و توان بازسازی امید اجتماعی تعیین خواهد کرد.

بر این اساس راهبرد کلان کشور در دوره پیش رو باید بر چند محور بنیادین استوار شود: بازسازی اعتماد عمومی، تقویت انسجام در نظام تصمیم‌گیری، اولویت‌بخشی به معیشت و امنیت روانی جامعه، جلوگیری از تشدید شکاف‌های اجتماعی، تقویت مشارکت نخبگان و بازگشایی مسیر گفت‌وگوی ملی. اگر در این زمینه موفق نشویم، دستاوردهای امنیتی و سیاسی، پایدار نخواهد ماند.

ایران تاریخی طولانی در عبور از بحران‌های بزرگ دارد. راز ماندگاری این سرزمین، در ظرفیت تمدنی ایرانیان برای بازسازی امید، تولید همبستگی و بازآفرینی نظم اجتماعی نهفته است. اکنون نیز کشور در نقطه‌ای ایستاده که بیش از هر زمان دیگری نیازمند همگرایی ملی، تدبیر نهادی و بازتعریف رابطه نظام حکمرانی و جامعه است.

دوران پساجنگ آزمونی برای «حکمرانی» است؛ آزمونی که موفقیت در آن مستلزم فهم عمیق جامعه، شجاعت در تصمیم‌گیری، صداقت در گفت‌وگو با مردم و اتکا به عقلانیت جمعی است. آینده ایران را کیفیت مواجهه ما با همین لحظه تاریخی تعیین خواهد کرد.



تداوم تأمین، کفایت ذخایر و شرایط بهتر تولید امنیت غذایی را حفظ کرده است

ذخایر شش ماهه پشتوانه بازار کالاهای اساسی

اکبر فتحی، معاون برنامه‌ریزی و اقتصادی وزارت جهاد کشاورزی: طی جنگ ۴۰ روزه هیچ‌گونه استفاده‌ای از ذخایر استراتژیک انجام نشد. در حال حاضر نیز شرایط تأمین عادی است و ضرورتی برای استفاده از این ذخایر دیده نمی‌شود.

مجید آتجفی، معاون امور زراعت وزارت جهاد کشاورزی: تولید یک‌میلیون تن می‌رسد؛ یعنی بیش از دو میلیون تن افزایش نسبت به سال گذشته. بنابراین حاشیه امن کشور در تأمین یکی از اصلی‌ترین کالاهای اساسی افزایش خواهد یافت.

ایستادگی ارتباطات برای جلوگیری از توقف آموزش

یادداشت

سیدستار هاشمی

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات



همان روزی که دشمن غدار با جنایتی آشکار، فرشتگان مینابیی را به خون غلظاند و با پرپر بردنشان داغدارمان کرد، در شهرهای دیگر نیز با بمباران مناطق مختلف، آرامش را از مدارس و مراکز آموزشی گرفت تا صدای دلنشین و روح‌بخش کودکان و نوجوانان ایران‌زمین در صدای بمب و موشک‌ها گم شود و این پرسش اساسی را پیش روی مردم و مسئولان ما قرار دهد که «آموزش فرزندانمان چگونه می‌تواند در شرایط جنگی تداوم یابد»

پاسخ دادن به این پرسش فقط مسئولیت متولیان آموزش در مدرسه و دانشگاه نبود، بلکه به دغدغه عموم مردم و مسئولان کشور تبدیل شد. در حوزه ارتباطات نیز به عنوان یک رکن اساسی خدمات عمومی و ضروری در کشور، یافتن راه‌حلی برای این امر حیاتی در دستورکار قرار گرفت تا با اتکا به تجارب و تخصص موجود، زیرساخت‌هایی فراهم شود که آموزش به شکلی مستمر و بی‌وقفه تداوم یابد.

ناگفته نپساید که خدمات اجتماعی و توسعه اقتصادی در شرایط عادی، مسیری قابل پیش‌بینی دارد، اما در وضعیت جنگی، توسعه و پیشرفت مستلزم ایستادگی هم‌زمان در برابر محدودیت‌ها و حرکت رو به جلوست. در ایام جنگ رمضان آنچه برای ما در وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات اهمیت داشت، صرفاً حفظ شبکه نبود؛ بلکه اطمینان از این بود که این شبکه بتواند پاسخگوی نیازهای رو به افزایش کشور نیز باشد.

در این میان، آموزش در صدر اولویت‌ها قرار گرفت. زیرآموزش تنها یک خدمت روزمره نیست، بلکه سرمایه‌گذاری مستمر روی آینده کشور است. از این منظر دانش‌آموزان این سرزمین صرفاً کاربران یک خدمت نیستند؛ بلکه سرمایه‌های انسانی فردای ایران‌اند و حفظ و تداوم ارتباط میان آنان، معلمان و خانواده‌ها، به یک ضرورت فوری تبدیل شد.

تأمل است؛ جایی که بر اساس گزارش‌های سازمان جهانی یونسف، در پی مشکلات نبود زیرساخت‌های لازم، میلیون‌ها کودک از دسترسی پایدار به آموزش محروم شدند. این نمونه‌ها نشان می‌دهد فقدان زیرساخت ارتباطی پایدار چگونه می‌تواند آموزش را به یکی از اولین قربانیان بحران تبدیل کند.

اما در کشور ما هم‌زمان با آموزش، مجموعه‌ای از خدمات حیاتی از نظام بانکی و خدمات درمانی تا فرآیندهای اداری و فعالیت کسب‌وکارها بر سبتر همین شبکه‌ها جریان داشت. ارتباطات گسترده ستون نامرئی اقتصاد و زندگی روزمره است و اختلال در آن، به معنای اختلال در همه چیز است. از همین‌رو، حفظ پایداری شبکه در شرایط جنگی، صرفاً یک وظیفه فنی نبود، بلکه مسئولیتی ملی و سنگین با ابعاد اقتصادی، اجتماعی و انسانی به شمار می‌رفت.

با وجود محدودیت‌های ناشی از شرایط جنگی و تحریم‌ها، تلاش شد با پیش‌بینی بوم‌قوع و اتخاذ تدابیر فنی، این زیرساخت‌ها نه تنها پایدار بمانند، بلکه تقویت شوند. آنچه این تجربه را متمایز می‌کند، همین هم‌زمانی «پایداری» و «توسعه» است. این مسیر بدون همراهی وزارت آموزش‌وپرورش، معلمان، خانواده‌ها و مدیران آموزشی ممکن نبود. آموزش، یک فرآیند جمعی است و زیرساخت ارتباطی، بستری هم‌افزایی را فراهم می‌کند.

آنچه امروز در اختیار داریم، نتیجه همین همکاری چندلایه است. امروز بار دیگر درس این تجربه برای ما الهام‌بخش است: زیرساخت‌های آموزش مجازی، دیگر یک گزینه مکمل نیستند، بلکه بخشی از معماری نظام آموزشی در عصر جدید محسوب می‌شوند. اگرچه هرگز منکر کاستی‌هایی که موجب زحمت معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌های عزیزمان شد، نیستیم و تلاش شبانه‌روزی تا رفع مشکلات باقی‌مانده پارساست. اما آنچه‌ایم که این اصل، نه یک گزاره نظری، بلکه تجربه‌ای است که در عمل به آن پایبند بوده‌ایم و با وجود همه محدودیت‌ها، تداوم آن را همچنان در اولویت قرار خواهیم داد. ان‌شاءالله

مصر با ۴۲۷ امتیاز و ونزوئلا با ۳۸۰ امتیاز، به ترتیب دوم و سوم شدند. همچنین در جدول مدالی، ایران با ۶ مدال طلا، ۷ نقره و یک برنز، در کنار چین (۶ طلا، ۵ نقره و یک برنز) رقابتی نزدیک داشت و در جمع برترین تیم‌های این دوره قرار گرفت. ونزوئلا نیز با ۴ طلا، ۲ نقره و ۲ برنز در جایگاه بعدی ایستاد.

در میان مدال‌آوران ایران، ابوالفضل زارع و حمیدرضا محمدی تنها هرکدام با کسب ۳ مدال طلا، ستاره‌های کاروان بودند. همچنین فرهاد قلعی‌زاده و طاهان نعمتی‌مقدم با ۳ مدال نقره و حمیدرضا زارعی با یک نقره و یک برنز، دیگر افتخارآفرینان تیم ملی در این رقابت‌ها بودند. تیم ملی ونزبه‌برداری ایران پس از کسب هشتمین جام قهرمانی خود، این افتخار را به دانش‌آموزان بی‌گناه میناب تقدیم کرد.



گروه ورزشی / تیم ملی ونزبه‌برداری جوانان ایران در پایان رقابت‌های قهرمانی جهان در مصر، با نمایشی درخشان و کسب نتایجی قابل توجه، عنوان قهرمانی این دوره از مسابقات را از آن خود کرد تا بار دیگر قدرت خود را در این رشته به رخ رقبا بکشد. در جریان رقابت‌های دسته فوق‌سنگین (۱۱۰+ کیلوگرم)، نمایندگان ایران عملکردی خیره‌کننده داشتند و با ایستادن بر سکوهای اول و دوم، یکی از بهترین نتایج کاروان کشورمان را رقم زدند.

در این دسته، حمیدرضا محمدی تنها با اقتداری مثال‌زدنی به مدال طلای جهان دست یافت. او در حرکت یک‌ضرب، هر سه تلاش خود روی ونزبه‌های ۱۷۶ و ۱۸۰ کیلوگرم را با موفقیت به پایان رساند و در جایگاه اول قرار گرفت. این ونزبه‌بردار جوان در حرکت دوضرب نیز بی‌نقص ظاهر شد و با مهار ونزبه‌های ۲۰۶، ۲۱۴ و

درخشش سنگین وزن‌ها در رقابت‌های ونزبه‌برداری جهان قهرمانی هشتم به نام دختران میناب